

پدر معنوی شهر؛ درس نامه حجت الاسلام جواد سلیمانی

مقدمه

یکی از مهم‌ترین مسائلی که تفاوت حکومت‌ها با یکدیگر را مشخص می‌کند، سیاست‌های کلی و مفاهیمی است که به آن‌ها پایبند هستند. تا زمانی که این سیاست‌ها در تاروپود نظام اجتماعی و اداری یک نظام ظهور و بروز نداشته باشد، شعارهایی هستند که دیر یا زود اعتبار خود را از دست خواهند داد. رهبران انقلاب اسلامی ایران، پس از انقلاب، طبق اقتضائات آن به دنبال تغییرات بنیادین بودند؛ تغییراتی که از مفاهیم تا عملکرد پیش می‌رفت. با توجه به عقب‌افتادگی چندده‌ساله مردم ایران از تمدن و اوضاع بد اقتصادی و اجتماعی، باید تلاش مسئولین شبانه‌روزی می‌شد. این تلاش‌ها نه فقط با ساعات کاری بیشتر و قانون‌گذاری، بلکه با گفت‌وگو با مردم، شناسایی مشکلات آن‌ها و اقدام به موقع و جهادی می‌توانست به ثمر بنشیند. حکومت برای نزدیک شدن به ویژگی‌هایی که یک حکمرانی اسلامی باید داشته باشد، نهادهای جدیدی ایجاد کرد. یکی از این نهادها ستاد نماز جمعه در هر شهر و شهرستان بود. نماز جمعه یک فریضه دینی و خطبه‌های آن فرصت و ظرفیتی عظیم است. اگر امام جمعه ارتباط مردمی خوبی داشته باشد، می‌تواند یک حلقه میانی بین مردم و مسئولین باشد؛ حرف‌ها و مشکلات مردم را بشنود و از مسئولین مربوط مطالبه و پیگیری کند. تریبون نماز جمعه هم رسانه اوست. این تریبون باید برای تبیین مسائل مهم اجتماعی، جهت‌دهی جامعه و مطالبه مردمی استفاده شود. امام جمعه در نقش پدر معنوی شهر، با نگاه حل مسئله می‌تواند حس مثبت اجتماعی ایجاد کند و رابطه مردم و مسئولین را بهبود بخشد. معمولاً بروکراسی در ادارات مردم را اذیت می‌کند. دیدن مدیر یک اداره هم بعضاً خیلی سخت یا ناممکن است؛ در حالی که یک دیدار ساده یا یک امضا می‌تواند مشکل خیلی‌ها را حل کند. حاج آقا سلیمانی این ارتباط را بین مردم و مسئولین ایجاد کرد. وقتی از گره‌های مردم در طول هفته باخبر می‌شود، در جلسات هفتگی‌اش با مسئولین آن فرد را خبر می‌کند که مشکلتش را همان‌جا در دفتر امام جمعه با مسئول مربوط حل کند. بعضی مسائل هم در ظاهر قانونی هستند و حتی بعضی مسئولین جرئت نمی‌کنند برای حل و فصل آن ورود کنند؛ مثل مسئله برداشت از معدن لیالمان که به ظاهر قانونی و بامجوز بود. با ورود امام جمعه و بررسی مجدد میدانی، مجوز باطل شد و مسئله‌ای که می‌توانست یک فاجعه به بار بیاورد، متوقف و ختم به خیر شد.

یکی از ائمه جمعه گیلان که لباس امام جمعه را به استادی در دانشگاه ترجیح داده، امام جمعه وقت لاهیجان است. بازخوانی زندگی او و تجربه‌اش در لاهیجان به عنوان امام جمعه، یک تجربه خواندنی و قابل تأمل است.

روایت حجت‌الاسلام والمسلین سیدجواد سلیمانی

سیدجواد سلیمانی در کودکی شیفته رفتار امام‌جماعت مسجدشان شده بود. آشیخ‌جواد که با مردم رابطه‌ای صمیمی داشت و برای حل مشکلاتشان تلاش می‌کرد و پدر سیدجواد که دستگیری از مردم سرلوحه زندگی‌اش بود، الگوهای او بودند. اینکه در کسوت دین بتوانی حلال مشکلات مردم باشی، برای او به قدری شیرین بود که به فضای حوزه علاقه‌مند شد. سیدجواد سلیمانی بعد از شش سال شاگردی اساتید بزرگ حوزوی، تحصیل در مقطع کارشناسی ارشد فلسفه و کلام و دکترای علوم اجتماعی، تصمیم گرفت در قامت امام‌جمعه خدمت کند. او درباره تصمیمش می‌گوید:

می‌توانستم در قالب استاد دانشگاه به نهاد رهبری بروم؛ اما دیدم در این صورت نمی‌توانم گفتمان ایجاد کنم. باید کار قابل امضا می‌کردم و سر چهار تا کلاس می‌رفتم. هرچند کارکرد امام‌جمعه هم متأسفانه در سال‌های اخیر خیلی محدود شده بود، با این حال احساسم این بود که تریبون نماز‌جمعه بهترین روش برای حل مسئله مردم است. از آنجا می‌توانستم در مردم برای مبارزه با فساد انگیزه ایجاد کنم و مشکلاتشان را به گوش مسئولین برسانم.

ایشان هم‌زمان با تحصیل در دانشگاه تهران، امام‌جمعه فشم شد. در آنجا همراه با گروهی از دانشجویان و با همراهی امام‌جمعه لواسان، تیمی راه انداختند به نام «عدالت‌خواه» که هدفش مبارزه با فساد بود. آقای سلیمانی در ایام تبلیغ، سفرهایی به گیلان داشت. در این سفرها، دغدغه برخورد با دزدان عقاید مردم و کار برای مردم گیلان در او زنده شد و تصمیم به بازگشت گرفت. در سال ۱۳۹۳ در کسوت امام‌جمعه لنگرود به گیلان برگشت. حاج‌آقا سلیمانی درباره روز اولی که شروع به کار کرد می‌گوید:

روز اولی که در کسوت امام‌جمعه پا به لنگرود گذاشتم، با خود فکر کردم چطور باید به جنگ با مشکلات بروم. امام‌جمعه که هیچ بودجه‌ای ندارد و تقریباً هم یک فرد مستقل از بقیه نهادهای اجرایی و نظارتی است. با این حال راه‌حل چیست؟ این جمله امام‌خمینی؟ ره؟ در ذهنم بود که امام‌جمعه پدر معنوی شهر است و این یعنی امام‌جمعه با حفظ سمت پدری، باید به معنای واقعی امام و جلودار و موتور پیشران جامعه باشد. صرفاً زینت شهر نباشد که یک جمعه نماز بخواند و مردم باهاش سلام و علیک کنند؛ او هم چند کتاب و مقاله بنویسد و سخنرانی کند.

به همین خاطر، ابتدا تصمیم گرفت با گفتمان‌سازی مردم را برای حل مشکلات با یکدیگر همدل کند تا مثلاً مشکل یک روستا دغدغه همه مردم بشود. سپس با تکیه بر قدرت رسانه توانست ستاد نماز جمعه را تبدیل به یک تربیون مردمی برای حل مسائل کند. چابک‌سازی ستاد نماز جمعه از اولین کارهای او بود. سلیمانی در این باره می‌گوید:

گفتم حالا که در نماز جمعه با طیف جمعیت زیادی سروکار داریم، علاوه بر کارهای فرهنگی و معرفتی باید کار تربیتی هم بکنیم. اسم طرح را گذاشتم تشکیلات شهید بهشتی. چند تا طلبه را جمع کردم و اصول کار تشکیلاتی و سیستمی را بهشان یاد دادم؛ اینکه چطور باید با یک نوجوان سروکله بزنند. برای آموزش طلبه‌ها هم اساتید خوبی از تهران مثل شاگردان آقای راستگو، استاد نخجیبی، فضائلی و فرهمند را آوردم. دوسه بار هم طلبه‌ها را فرستادم به کارگاه‌های مرتب‌تی که در قم برگزار می‌شد. بعد از آمادگی‌های لازم، طلبه‌ها را که خودشان امام‌جماعت بودند فرستادم به مدرسه نزدیک مسجد محل. طلبه برای تبلیغ می‌رفت به مدرسه، دانش‌آموزهای مستعد و بچه‌هایی را که می‌شد رویشان حساب باز کرد شناسایی می‌کرد. به دانش‌آموز می‌گفت اگر می‌خواهی بازهم مرا ببینی و با همدیگر صحبت کنیم، می‌توانی بیایی به مسجد. کم‌کم پای بچه‌ها را می‌کشیدند به نماز جمعه.

این مرحله اول کار بود. در مرحله دیگر به این بچه‌ها مسئولیت سپرده می‌شد: از مجریگری تا مرتب‌کردن صف‌ها در نماز جمعه. همین باعث شد هم جمعیت نماز جمعه بیشتر شود و هم کیفیت آن؛ طوری که حتی کسانی که با روند جوان‌سازی مخالف بودند، نماز جمعه و کار آن جوان‌ها را تحسین می‌کردند. سپس آقای سلیمانی برای این جوان‌ها هیئت اندیشه‌ورز راه انداخت. هدف این بود که چطور فکر کردن را به آن‌ها یاد بدهد. از اساتید سرشناسی مثل پروفیسور کرمی برای این جلسات دعوت می‌کرد. تعدادی از همین جوان‌ها بعدها با کارنامه مثبت خود توانستند موقعیت خوبی در سطح استان پیدا کنند. ایشان در کنار این کارهای تربیتی، از مشکلات مردم و ایجاد حلقه ارتباطی بین مردم و مسئولین نیز غافل نبود. جلسات هفتگی با مسئولین شهر را ترتیب داد. در آن جلسات، ابتدا حکمت‌های نهج‌البلاغه خوانده می‌شد و سپس حل مشکلات مردم را که در طول هفته آن‌ها را از مردم شنیده، شخصاً بررسی کرده و لیست کرده بود، مطالبه می‌کرد. مردم هم که می‌دانستند مسئولین را پنجشنبه‌ها می‌توانند در دفتر امام‌جمعه پیدا کنند، برای پیگیری کارشان به آنجا می‌رفتند. یکی از مواردی که ایشان با ورود به مسائل توانست حل‌وفصل کند، مسئله برداشت غیرقانونی از معدن در منطقه لیالمان بود. شرکتی با دریافت مجوز از صنعت و معدن تهران اقدام به برداشت از معدن کرده بود. این برداشت‌ها می‌توانست فاجعه زیست‌محیطی به بار

آورد، غسل‌ها را فعال کند و خانه‌ها خراب شود. حاج‌آقا سلیمانی بعد از صحبت با دهیار و شورا، وقتی دید به‌خاطر مجوز این شرکت کاری از پیش نمی‌رود، مسئله را در تریبون نماز جمعه مطرح کرد. سپس با رؤسای ادارات جلسه گذاشت. او درباره حل مسئله معدن لیالمان می‌گوید:

بعضی‌ها جرئت نکردند مقابل مجوز بایستند. به این دسته گفتم: «اگر من پیش بیفتم شماها همراهی می‌کنید؟» موافقت کردند. رسانه هم مشکل را پوشش داد. صاحب شرکت دوسه تا مصاحبه تند کرد که ما چون مجوز داریم نمی‌توانند جلویمان را بگیرند. راست هم می‌گفت: مجوز داشتند؛ اما گاهی برخی در تعاملات اداری و بروکراسی‌ها جوری مجوز می‌گیرند و قانون را دور می‌زنند که خود بالادستی‌ها هم نمی‌فهمند چه شد! ما درخواست باطل‌شدن مجوز ندادیم. گفتیم جناب صنعت و معدن، یک بار دیگر برای بررسی میدانی بیا. گزارش‌ها به شما غلط رسیده است. گزارش‌ها که رفت، صنعت و معدن مجوز را باطل کرد. صاحب شرکت عذرخواهی و الحمدلله قضیه فیصله پیدا کرد.

حاج‌آقا سلیمانی در سال ۱۳۹۵ امام‌جمعه رودبار و در سال ۱۳۹۸ امام‌جمعه لاهیجان شد. اقدام‌های انقلابی ایشان نور امید برای مردم این شهرها شد. تریبون امام‌جمعه در اختیار گفتمان‌سازی به‌نفع مردم قرار گرفت و حتی مردم از شهرهای دیگر برای حل مشکلاتشان به ایشان مراجعه می‌کنند. احیای ستاد ائمه جمعه و فعالیت‌های آن‌ها به‌عنوان حلقه میانی، از نمونه‌های تأثیر حکمرانی خوب بر جامعه است. گاهی به‌دلیل حجم رسانه‌هایی که تزریق ناامیدی می‌کنند و عملکرد بد تعدادی از مسئولین، امید به بهبود اوضاع و حل مسائل در مردم کم‌رنگ می‌شود. عملکرد افرادی مانند حجت‌الاسلام‌والمسلمین جواد سلیمانی که با تلاش، تحصیل علم و پیگیری قانونی به دادخواهی مردم می‌پردازند، می‌تواند الگوی خوبی برای دانش‌آموزان باشد. آن‌ها با بررسی چنین نمونه‌هایی متوجه می‌شوند اگر هرکسی در جایگاه خودش به‌عنوان یک مسئول، تمام توانش را برای حل مشکلات جامعه بگذارد، می‌تواند تغییرات مثبتی ایجاد کند.

اهداف درس‌نامه

۱. شناخت و بررسی نمونه‌های حکمرانی موفق؛
۲. بررسی نمونه‌های موفق پیگیری از مسئولین توسط خود حکمران؛
۳. تأثیر وجود حلقه‌های میانی بین مردم و مسئولین؛
۴. آشنایی با نمونه‌های اثرگذاری تریبون نماز جمعه؛

۵. شناخت تأثیر قدرت رسانه در برخورد با متخلفین؛

۶. تکریم افراد و مسئولینی که فعالیت‌های مثبتی برای مردم دارند.

برای رسیدن به این اهداف نیز پیشنهاد می‌شود:

۱. برای نشان‌دادن اثر فعالیت‌های حاج‌آقای سلیمانی، عکس و فیلم نمازجمعه و فعالیت‌های جوانان ستاد در نمازجمعه‌ها تهیه و در کلاس پخش شود؛

۲. از حاج‌آقا سلیمانی به‌جهت صحبت با دانش‌آموزان دعوت شود؛

۳. با توجه به منظر امام‌خمینی و مقام معظم رهبری، نقش امام‌جمعه برای دانش‌آموزان روایت شود.

تکالیف

۱. دانش‌آموزان درباره‌ی خاطراتشان از مسجد یا نمازجمعه صحبت کنند؛

۲. یک اردوی نیم‌روزه برای حضور دانش‌آموزان در نمازجمعه برنامه‌ریزی شود و از آن‌ها بخواهید نکات مهم مسائل مطرح‌شده در خطبه‌ها را یادداشت کرده و ارائه دهند؛

۳. از دانش‌آموزان بخواهید ویژگی‌های یک حکمرانی خوب را نوشته و نمونه‌هایی را که با مسئولین شهر مطابقت دارد، در کلاس مطرح کنند.